



www.DG.P.S.D.ir



خدمت نائیتھادٹ

پنج گام سلوک ابراہیمی

نویسنده: احمد صابری تولایی



<https://eitaa.com/bsmalakut>

نقشه کلی بحث

پنج گام سلوک ابراهیمی

مقدمه

رسیدن به ویژگی‌هایی که قرآن بیان میکند به تناسب استعدادهای

دنیا مثل تجارت است و مهم‌ترین دارایی انسان جان اوست

پنج گام سلوک ابراهیمی

ابراهیم یک امت بود «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً

امت یعنی

پیران سازی

معل تجمیع ویژگی‌های خوب دیگران

بوره دهی به اندازه چندین نفر

«قانتا»

یعنی پیران سازی در بیعت و پیروی از شرع

«صنیفا»

یعنی انسانی بود که اهل افراط و تفریط نبود

«وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُسْرِئِينَ»

یعنی چیزی برای خدا کار انجام نداد

«شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ»

شاکر نعمتهای خداوند بود

آثار این سلوک

«ابْتِغَاءً»

یعنی خداوند تو را انتخاب میکند

«وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

خداوند درست را میگیرد و تا خود مسیر میبرد

«وَأَتَيْنَاهُ فِي الرَّثِيمَةِ حَسَنَةً»

در دنیا بهترین‌ها را نصیب میکند

«وَأَنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»

در آخرت از صالحان قرار میگیرد

«ثُمَّ أَوْفَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»

الگوی دیگران خواهی شد

«إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱

(به راستی ابراهیم پیشوایی مطیع خدا [و] حق‌گرای بود و از مشرکان نبود[و] نعمتهای او را شکرگزار بود [خدا] او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد و ما در دنیا به او همت نیکو دادیم، و در آخرت از صالحان است سپس به تو وحی فرستادیم که از آئین ابراهیم، که خالی از هر گونه انحراف بود و از مشرکان نبود، پیروی کن)

نکته اول

قرآن کریم وقتی که یک ویژگی را برای یک شخص بزرگی مطرح می‌کند، انحصار در او ندارد. یعنی تمام آنچه در مورد شخصیت‌ها و حتی آیاتی که درباره شخصی‌شان نزول دارد محصور در آن شخص نیست. بلکه دیگران هم می‌توانند به تناسب آن شخصیت به آن ویژگی نزدیک بشوند.

نکته دوم

دنیا، دنیای بده بستون است، دنیا، دنیای تجارت است، دنیا، دنیای معامله‌گریست که فرمود «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» مهم اینه که چه کالایی رو به چه کسی بخوای بفروشی.

قرآن می‌فرماید هیچ کالایی برای آدمی مهم‌تر از جانش نیست.

پولمان را خرج سلامتی خودمان می‌کنیم. اگر نیاز به پیوند قلب داشته باشیم ماشین خودمان را می‌فروشیم، خانه‌ای که هنوز اقساطش مونده را می‌فروشیم، طلا و جواهری که برای همسر و فرزندمان خریدیم را می‌فروشیم، اگر احیانا باغ و زمینی داریم می‌فروشیم می‌گیریم مال دنیا فدای سلامتی‌مون! فرزندم برام بمونه، همسرم سلامتی‌ش رو حفظ کنه، جانم که مهم‌تر از پولمه.

خدا می‌فرماید زیر این آسمان هیچ سرمایه‌ای برای آدمی مهم‌تر از جانش نیست.

حالا باید ببینیم که این سرمایه و کالای خودمون را به چه کسی و چند می‌فروشیم؟

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«أَمَا إِنَّ أَبْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَتَّبِعُوهَا بِغَيْرِهَا»^۲

به روحمان کار ندارد می‌فرماید جسمتون رو کمتر از بهشت بفروشید ضرر کردید.

اگر کسی می‌خواهد در این معامله و کاسبی با خدا، مهم‌ترین کالایش که جانش هست رو به قیمت بالا بفروشد نه زیر فی بازار که «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ» و به خسران و زیان و ضرر مبتلا نشود باید پنج قدم بردارد.

النحل، 120 و 121^۱

تحف العقول، ص ۴۱۰^۲

سوره مبارکه نحل آیه صد و بیست و یک تا صد و بیست و سه خدا می فرماید پنج گام رو باید بردارید تا بتوانید جنس و کالای خودتون رو به قیمت خوب به خدا بفروشید.

پنج گام سلوک ابراهیمی!

چون این آیات در مورد حضرت ابراهیم سلام الله علیه است می فرماید ابراهیم پنج کار انجام داد خداهم پنج کار برایش انجام داد.

تذکر

اسم ها روی آدمها تاثیر دارد. گفت فردای قیامت که میشه خداوند متعال اولیای خودش را صدا می زند. ابراهیم، تمام ابراهیم های دنیا که تو دنیا به این اسم صداشون می زدند بلند میشن. خدا میگه به احترام این اسم که روی خودتون گذاشتید و ترویج فرهنگ اسمهای اهل بیت رو کردید، برید بهشت. علی رو صدا می زنه، فاطمه رو صدا می زنه، محمد رو صدا می زنه.

و اما پنج کاری که حضرت ابراهیم انجام داد.

اول «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً»

ابراهیم (سلام الله) به تنهایی یک امت بود.

حضرت آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم سه معنا برای کلمه امت ذکر کرده است.

یک: امت به آدمهای جریان ساز می گویند. کسانی که یک تنه یک جریانی ایجاد می کنند، رهبری می کنند.

جریانی که خود حضرت ابراهیم (سلام الله) راه انداخت جریان توحید در برابر جریان شرک بود. جریانی که اباعبدالله الحسین علیه السلام راه انداخت جریان عدل در برابر جریان ظلم بود. جریانی که امام خمینی (رحمه الله علیه) راه انداخت جریان توحیدی و الهی در برابر جریان طاغوتی بود.

دوم: میفرماید امت اون کسانی هستند که تمام ویژگی های خوب دیگران را در خودشان جمع کرده اند.

آنچه خوبان همه دارند تو یکجا داری

سوم: آیت الله جوادی میفرماید امت به کسی میگویند که به اندازه صد نفر کار می کند یعنی این آدم وقتی از دنیا میرود

«إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهُ تُلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ»^۳ کار صد نفر عقب میماند و زمین میماند!

خدا میفرماید حضرت ابراهیم یک امت بود و علت آن هم مشخص است چون بت شکنی کرد و در برابر جریان شرک ایستادگی کرد.

اما ابراهیم ما (آیت الله شهید رئیسی) که ان شالله مهمان سفره حضرت ابراهیم خواهد بود، مهمان سفره حضرت رسول صلی الله علیه و اله خواهد بود، یک امت بود. چرا؟
چون هر سه تا معنی امت را داشت.

اول آنکه شهید رئیسی جریان سازی کرد. چه جریانی را آقای رئیسی راهبری کرد؟

در ذهن ما از کلمه "سیاست" چه چیزی می شینه؟ یعنی متبادر به ذهنمان از این کلمه چیست؟

وقتی میکروفون دست بگیریم برویم داخل جامعه و افکار عمومی بخواهیم رصد کنیم که نظر شما در مورد سیاست چیست؟ احتمالاً جوابهای بسیاری با این مضمون بیاد که: سیاست پدر سوخته است، سیاست پدر مادر ندارد، سیاست یعنی حيله گری در دنیا!

لفظ و معنی سیاست در دنیا و در میان مردم خیلی مثبت تعریف و تلقی نمی شود.

وقتی میگوید آقا سیاسی کاری نکن یعنی مارموز بازی درنیار! منظورش از "عجب آدم سیّاسی" یعنی عجب آدم حيله گری هست.

یعنی ما هر جا از کلمه سیاست استفاده می کنیم معنای منفیش بر ایمان بیشتر جلوه گری می کند. و متأسفانه در کشور خودمان آدمهای مختلف وقتی در مجاری سیاست واقع شدن، اکثراً پاهاشون در این وادی لرزید و لغزید.

هرچه بالاتر باشی کار سخت تر است. شما ماشین را در سرعت پایین راحت تر می توانید کنترل کنید نسبت به وقتی که با سرعت صد و هشتاد تا در حرکت هستید. جایگاه بالا طعم شیرین تر و خوشمزه تر و پر امکانات تر و پرنعمت تری دارد و برای از دست دادنش آدم به صورت جدی سعی می کند که همه تلاشش رو بکند تا از دستش ندهد.

اگر بگوییم که آقای رئیسی بعد از انقلاب جریان سیاست پاک را راهبری کرد دروغ نگفتیم. جریان سیاست پاک یعنی سیاست همراه با معنویت، سیاستی که آلودگی ندارد، همان سیاستی که من و شما بارها در زیارت جامعه کبیره خواندیم ولی دقت نکردیم که در اوصاف محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین می خوانیم که «**و ساسه العباد**» شما سیاسی ترین آدمهایی هستید که خدا خلق کرده است. جریان سیاست پاک را آقای رئیسی راهبری کرد و بعد از مدت ها این انسان شریف را دوست و دشمن اقرار کردند که آدم سالمی هست.

دومین جریانی که بعد از مدت ها دلمان برایش تنگ شده بود جریان **خدمت** بود.

دو نقل قول هست که شهید رئیسی روزی یازده تا هجده ساعت یا روزی یازده تا پانزده ساعت مشغول خدمت خالصانه و صادقانه بود. اگر حاج قاسم سلیمانی در انقلاب اسلامی سیدالشهدای مقاومت بود. شهید رئیسی سیدالشهدای خدمت بود. چون واقعا این طور خستگی ناپذیر خدمت کرد. و این خدمت بخاطر معروفیت هم نبود.

این بزرگواران واقعا الگو گرفتن از علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما گفت سر ظهر دیدم علی بن ابی طالب در کوچه های گرم زیر آفتاب دارد راه می رود. گفتم هوای گرم برای چه کسی داری راه میروی یا امیرالمومنین! الان همه

مسئولین جای سرد دارن استراحت میکنند! شما توی هوای گرم، سر ظهر، تو کوچه ها برای چه چیزی از این طرف به آنطرف کوچه گردی میکنی؟!

حضرت فرمود برا اینست که می خواهیم اگر مردم به من نیاز داشتند درگیر دفتر و دستک و نوبت و آقا برو فردا بیا و فعلا تا یه ماه دیگه وقت ندارم و...نشوند.

سخنگوی دولت می گفت: شنیدم در مصاحبه، آقای رئیسی گفته است کسی که مسئول میشود باید با خواب خداحافظی کند! شهدا غالبا اینطور بودند.

شهید آقاسی زاده شهید مشهدی، چهار هزار و پانصد عملیات مهندسی در دوران دفاع مقدس انجام داد! بماند که تمام رفیقهایش می گفتند در تمام طول دفاع مقدس هیچ کسی نه شب، نه روز، نه ظهرو نه صبح خوابیدن شهید آقاسی زاده را ندید! در مستندی که مربوط به شهید مرتضی آوینی هست نشان میداد که شهید مرتضی آوینی فقط یه جا می خوابید آنهم داخل ماشین بین مسیر ها بود.

جدا با این کارهای آقای رئیسی توقعمان از رئیس جمهورها و مسولین جمهوری اسلامی بالا رفت. یعنی دیگر ما قبول نمی کنیم که شخصی بگیرد بخوابد ساعت 9 صبح بیدار بشود! ما قبول نمی کنیم کسی در خانه اش بشیند و افتتاحیه طرح ها را انجام بدهد! آقای رئیسی یه زمانی بلند می شد تمام مملکت را میرفت. برخی روستاهایی که فرماندار ندیده بودن، در این دولت رئیس جمهور دیدن.

بعضی از روستاهایی که مسئولین شهرستانی خودشان را ندیده بودن رئیس جمهور دیدن!

دوم «قانتا»

این جریان سازی "قانتا" بود. یعنی در چارچوب شرع بود هیچ وقت نمی گذاشت این جریان سازی از چهارچوب دستورات دین بیرون برود. اونهایی می توانند سلوک ابراهیمی داشته باشند که مقید به حلال و حرام خدا باشند. البته من و شما باید مقید به حلال و حرام باشیم و الا بعضی ها در مقام بالاترش تنها مقید به حلال و حرام بودند بلکه علاوه بر اینها مقید به مستحب و مکروه هم بودند!

آخوند ملاعباس تربتی رحمه الله علیه تصمیم گرفت که با الاغ اجاره ای و کرایه ای بیاد مشهد. همسایه شون گفت ملاعباس داری میری مشهد همین پاکت نامه روبه پسرمد بده مدتی کسی نرفته مشهد و ما هم از احوالش بی خبریم. ملاعباس گفت بذار از صاحب الاغ اجازه بگیرم چشم! گفتم آقا مگر الاغ می خواهد این نامه را ببرد شما میخواهی ببری!

ملاعباس گفت آقا صد و پنجاه کیلومتر راه، ده گرم نامه رو می خوام روی این الاغ بگذارم اول باید از صاحبش اجازه بگیرم. من این الاغ رو برا خودم و بار خودم اجاره کردم نه برا پاکت نامه و بار کسی دیگر!

آقای منبتی معاون اماکن آستان قدس تعریف میکرد: آقای رئیسی کارش که بعد از سه سال در تولیت حرم امام رضا علیه السلام تمام شده بود خواست برود قوه قضائیه، به من گفت منبتی تو این مدت تمام روزهایی که من صبحانه، ناهار، شام خوردم را حساب کن.

گفتم حاج آقا عجب حرفی می زدید شما، یعنی چی صبحانه، ناهار، شام رو حساب کنیم! همه خدام هم خوردن از آن جارو کش تا کفشدار و کتابدار و همه خوردن از این غذا و طبیعی هم بوده، مشروع هم بود مقبول هم بوده. قسم داد، من رو تحت فشار قرارداد و من رو مجبور کرد تمام صبحانه و ناهار و شامی که خورده بود رو حساب کردیم. از حساب شخصی چک کشید گفت واریز کنید به حساب نذورات.

سوم «حنیفا»

حضرت ابراهیم حنیف بود.

حنیف یعنی آدمی که اهل افراط و تفریط نیست. در مشهد امام رضا وقتی که به عنوان تولیت حرم امام رضا علیه السلام منصوب شد، در یک سوئیت یک اتاقه زندگی کرد و هر کار کردند که آقا فلان جا حتی از موقوفات خود حرم که موقوفات عامه برای همین مسئله گذاشتن خونه های خیلی خوب وجود داره تشریف ببرید برای سکونت، آنجا. ایشان فرمود همین جا کافیه برای ما. مگه چه خبر است؟ ما چقدر جا برای زندگی و خواب و استراحت نیاز داریم. البته تولیت قبلی هم همین جور بود خدا رحمت کنه آقای طیبی هم در خانه پدر همسرش تا آخر عمر زندگی کرد. گفت علی بن ابیطالب علیه السلام زمانی که ازدواج کرد به ضمانت و وساطت پیغمبر اکرم یک خانه ای به اندازه یک اتاق سه در چهار در حومه شهر گرفت که نصف این خانه فرش داشت که فرشش از پوست بز و پوست گوسفند و نصف دیگرش را هم آقا امیرالمومنین خودش شن و خاک آورد آنجا و ریخت.

کل خانه علی علیه السلام همین بود. بعدها که پیغمبر اکرم دلش برای دخترش زیاد تنگ می شد خود پیغمبر منزلش را نصف کرد و یک دیوار کشید و فرمود بیاین شما هم اینجا پیش من بنشینید.

افراط و تفریط در مصرف. «از دوستان شهید رئیسی نقل میکرد میگفت من تا زمانی که ایشان مشهد بود دو الی سه نوع عبا روی شانه ایشان می دیدم. بیشتر از این دو سه نوع نداشت. با اینکه خود من هفت هشت تا عبا دارم. یکی زمستانی، یکی با این قبای این رنگی بپوشم، اون یکی را با لباده بپوشم، یکی را برای عروسی و جشن و ولادت یکی دیگر را برای شهادت ها و...»

می گفت من تو کل این مدت سه تا عبا رو شونه ایشون بیشتر ندیدم!

افراط و تفریط شامل لباس و خانه و مسکن و برویا میشود تا افراط در نگاه ها مخصوصا در نگاه های اجتماعی. آنقدر آمدند و ایشان را نسبت به بعضی ها تحت فشار قرار دادند که آقا اینا کی هستند که شما تو این جلسات راه می دهید، چرا تو این جلسه ای که این افراد هستند شرکت می کنید؟ می فرمود اینها دخترهای ما هستند، جوانهای ما هستند.

نه نگاه افراطی یک عده توانست ایشان را منفعل کند و نه تفریط ها و تساهل ها، ایشان را مبتلا و درگیر کرد.

چهارم «وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

یعنی جز برای خدا کار انجام نداد.

مقام معظم رهبری در باره حاج قاسم سلیمانی فرمود آن چیزی که حاج قاسم را به خورشید آسمان شهدا تبدیل کرد، **اخلاص** حاج قاسم بود.

به شهید بهشتی گفتند: یک بنده خدایی تو هامبورگ مرده یک نفر نداریم جنازشو غسل بده (آقای بهشتی آن زمان امام جمعه هامبورگ بود و در آلمان به زبان آلمانی خطبه می خواند) یک وقت دیدیم آقای بهشتی لباده رو درآورد آستینها را بالا زد که این بدن را غسل بدهد. گفتم حاج آقا برای شما زشته، سبکه. فرمود: سبک چیست؟ کار برای خدا باشد ولو مرده شوری.

امام جماعت مسجد گوهرشاد دیر آمد شخصی که نزدیک دفتر آقای رئیسی بود گفت، حاج آقا امام جماعت دیرتر می آید. یک مرتبه دیدند آقای رئیسی خودش آمد که نماز را اقامه کند تا با تاخیر برگزار نشود، گفتم حاج آقا حالا یک روحانی دیگر پیدا می کنیم شما با این مقام تولیت و... شاید خوب نباشد.

گفت چه فرقی میکند می خواهیم برای خدا نماز بخوانیم. تا ایشان آمد که نماز را اقامه کند، امام جماعت رسید. طبیعی کار این است که دیگر خود آقای رئیسی نماز را بخواند بالاخره تولیت آستان قدس و آیت الله و سید هست و باید جلو بایستد و آن بنده خدا برود عقب! اما یک وقت دیدیم ایشان بلافاصله آمد عقب و به امام جماعت گفت بایستید جلو. و گفت برای خدا امام جماعت نداشتید امد امام جماعت بشم، امامتان آمد و من هم برای خدا ماموم این امام جماعت میشم.

کاری که برای غیر خدا باشد حماقت است. حماقت این است که آدم کار را برای دیگران و چشم مردم انجام بدهد. و امروز تا دلتان بخواهد ما این را متأسفانه داریم.

پنجم «شَاكِرًا لِّلنَّعْمَةِ»

حالا اگر ما مفید واقع شدیم و در چهارچوب الهی جریان سازی کردیم و حرکت کردیم و از افراط و تفریط پرهیز کردیم و اگر شرک نورزیدیم و اقدام ما خالصانه و برای رضای خدا بود و شاکر نعمتهایش بودیم، خداوند هم پنج کار برای ما انجام خواهد داد.

نتیجه این سلوک ابراهیمی:

اول «اجْتَبَاهُ»

خداوند می فرماید تو را انتخاب می کنم.

دوم «وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

هدایت می کنم، یعنی دستت را می گیرم و تا خود مسیر می برمت و اگر مانع وجود داشت، نترس چون تو با منی.

واقعا جلو راه شهید رئیسی مخصوصا در دوران ریاست جمهوری مانع زیاد وجود داشت. خب الان هم داریم می بینیم یک دسته از انسان ها از شهادت آقای رئیسی انقدر خوشحال هستند که پایکوبی و رقص انجام میدهند و یه عده در شهادت آقای رئیسی از خوشحالی لخت شدند و عکس لخت خوشان را در فضای مجازی منتشر میکنند.

سوم «وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»

در دنیا بهترین ها را به تو خواهم داد «وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»

آیت الله جوادی آملی میفرمایند آن حسنه ای که خداوند به حضرت ابراهیم وعده داد این بود که حضرت را نوکر کعبه گذاشت این بود که حضرت ابراهیم مقام نوکری کعبه را کسب کرد.

وشهید رئیسی هم این طور حرکت کرد و خدا هم توفیق خدمت به حرم ملکوتی آقا علی بن موسی الرضا رو به او عنایت کرد. از این بالاتر هم مگر داریم؟ که در بین زیارت ها حتی از زیارت اباعبدالله، زیارت امام رضا علیه السلام ثوابش بیشتر هست و خدمت به زائران امام رضا ع از خدمت به خود قبر و گنبد امام رضا ثوابش بالاتر هست.

چهارم «وَأِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»

در آخرت او را از صالحان قرار خواهد داد

البته به این نکته هم باید توجه داشت که صالحان دارای مراتباند؛ به این معنا که شامل انبیا و غیر ایشان می شود.

پنجم «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»

و در آخر به پیامبر فرمود که ابراهیم را الگو قرار بده. الان هم همه کسانی که مسئول هستند باید از آقای رئیسی که مصداقی از الگوهای اسلامی و قرآنی هست الگو بگیرند. الگوی در خدمت، الگوی در وحدت، حداقل در خدمت و وحدت امروز به شدت جامعه ما نیاز به وحدت دارد و شایسته است که جنگ بین چپ و راستی را در مسائل کشور وارد نکنیم و به فکر وحدت برای درست شدن مسائل کشور باشیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته